

## زنان، سبکهای فراغتی و خانواده در شهر تهران

امیدعلی احمدی<sup>۱</sup>، ابراهیم یاقوتی<sup>۲</sup>

### چکیده

اوقات فراغت را می‌توان به‌طور نسبی پدیده‌ای مدرن و شهری تلقی کرد. در فضای اجتماعی شهرها و روستاهای ماقبل مدرن به دلایل گوناگون نیاز به فراغت در معنای امروزی خود نبود یا حداقل فراغت به صورت نهادی اجتماعی یا تشکیل نشده بود و به شکلی ابتدایی در اختیار خانواده‌های طبقات مرفه بود. در این مقاله با اتکا به سه مبحث در ادبیات اوقات فراغت یعنی رابطه بین کنشگر و ساختار، رابطه بین جنسیت و فضاهای شهری و رابطه بین مدرنیته، سبک زندگی و اوقات فراغت، سعی شده است پایه‌های نظری برای تحلیل نظری و تجربی وضعیت فراغت زنان واقع در دوره‌های مختلف زندگی فراهم شود. تحقیق گرداگرد دو مفهوم ساخته شده براساس دیدگاه گیدنز یعنی «فراغت شهروندی» و «ساختمندی فراغتی» پایه‌گذاری شده است و برخی شواهد را در این زمینه جمع‌آوری کرده است. داده‌ها از ۱۲۰۰ زن و دختر ساکن در شهر تهران به شیوه پیمایشی و با ابزار پرسشنامه به‌دست آمده و پس از انجام مراحل مختلف تحلیل عاملی مشخص شده است که اولاً ۱۱ سبک فراغتی مختلف بین زنان وجود داشته است و دوم اینکه وضعیت موجود فراغتی زنان را می‌توان بسیار وابسته به خانواده و محتاج فاصله‌گیری از فضای خانه و خانواده توصیف کرد. زنان عمدتاً از وضعیت فراغت خود ناراضی‌اند و عمده فراغت خود را با خانواده می‌گذرانند. تحقیق تفاوت‌های مهمی را بین نسل‌های مختلف از نظر ذائقه فراغتی نشان داده است.

### واژه‌های کلیدی

فراغت زنان، فراغت سنتی و مدرن، خانواده و فراغت زنان، سبک زندگی و سبکهای فراغتی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳

این مقاله برگرفته از تحقیقی است با عنوان «سنجش میزان اثر بخشی طرح‌های مرتبط با غنی‌سازی اوقات فراغت بانوان شهر تهران» که توسط نویسنده این مقاله با حمایت اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انجام شده است.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، ایران، آشتیان (نویسنده

مسئول)

omidaliahmadi@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران،

yaghouti2010@yahoo.com

تهران

### ۱. مقدمه

اوقات فراغت و برنامه‌ریزی فردی و جمعی برای آن پدیده‌ای مدرن و حاصل زندگی شهری در شهرهای مدرن است. آنچه پیش از جامعه مدرن وجود داشته است را می‌توان وقت‌گذرانی یا خوش‌گذرانی و بازی نامید. این مقایسه به معنی پرثمر بودن یکی و بی‌اثر بودن دیگری نیست، بلکه بیشتر به این معنی است که اقتضاهای جامعه سنتی و مدرن برای زمان‌هایی که فرد می‌خواهد به میل خود وقت خود را تنظیم کند، متفاوت است. این تفاوت بیشتر ناشی از میزان وقت، فلسفه زندگی و امکانات نهادین برای گذران اوقات فراغت است. بنابراین، هرچه فرد و جامعه نگرش و امکانات نهادین متناسب‌تری برای اوقات فراغت امروزین داشته باشند؛ صرف این اوقات کارکردی‌تر و مؤثرتر برای زندگی شغلی و فردی - خانوادگی خواهد بود. تقسیم اوقات زندگی، چگونگی صرف آن و دسترسی به انواع ابزارها و امکانات برای گذران اوقات فراغت همواره برای زنان و مردان متفاوت بوده است. در شهرهای سنتی اسلامی، فضاهای شهری به دو قسمت اساسی بیرون خانه و درون خانه تقسیم می‌شد و زنان و مردان برای آن دو فضا تربیت می‌شدند. محیط بیرون خانه عموماً برای زنان به شدت ناامن بود و فضاها به صورت جنسیتی تقسیم شده بود. قهوه‌خانه حتی امروز محیطی مردانه است و برای زنان مناسب نیست و در عوض مطبخ و حیاط فضایی زنانه بود. خانواده در شکل سنتی و تاریخی آن سازمان و گروهی بود که در آن جایی برای عرض اندام تمایلات فردگرایانه یا تخصیص فضاهای خصوصی وجود نداشت. حرکت‌ها و خواسته‌هایی که متفاوت با مصالح خانواده و عرف بود به شدت سرکوب می‌شد و فرد نمی‌توانست وقت خود را به امور شخصی اختصاص دهد. فراغت در این فضا زمانی بود که اعضای خانواده یا به تفکیک زنان و مردان برای با هم بودن و تفریح فرصت می‌یافتند. بازی‌های جمعی، جشنواره‌ها، مراسم مختلف امکان این فراغت جمعی را به صورت عموماً آدواری و در زمان‌های مشخص فراهم می‌کرد. دنیای جدید با کاهش وقت اشتغال روزانه و هفتگی، با ایجاد برابری نسبی جنسیتی در فضاهای شهری، با گسترش حق فرد در انتخاب و برنامه‌ریزی فراغتی، با تغییر نگرش و به‌خصوص با تشکیل امکانات نهادین برای اوقات فراغت، عملاً فراغت را به بخش مهمی از زندگی تبدیل کرده است که کار شدید و تحمل فضاهای به شدت خط‌کشی شده دنیای مدرن را تحمل‌پذیر می‌سازد. در دنیای پسامدرن در شکل ایده آلی آن، انسان رنگ‌تنوع، لذت، خواست خود و

امکان تحقق خویشتن را به فضاهای کار و فراغت، فضاهای عمومی و خصوصی می‌زند. در شهر تهران و مردمان آن، می‌توان گاه نشانه‌هایی از تمایلات پست مدرن، گاه ویژگی‌های تجددخواهانه و در همان حال آداب و سنن قدیم را مشاهده نمود. اگر یکی از مهمترین شاخص‌های کیفیت زندگی و رفاه را برخورداری از فراغت برنامه‌ریزی شده و ساختماندهانه بدانیم، در این صورت، سؤال اساسی این است که در دو بعد فردی و جمعی (کنشی و ساختی) اوقات فراغت به چه صورت‌هایی انجام می‌شود یا چه سبک‌هایی دارد و به‌طور اخص این وضعیت برای زنان چگونه است و نقش خانواده در این زمینه چیست؟

## ۲. پیشینه تحقیق

چارچوب مفهومی تحقیق بر تعریف سه مفهوم فراغت، ساخت‌یابی فراغتی و فراغت شهروندی استوار است. فراغت در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای خانه است و مسئولیت‌های خانگی به‌گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. بنابراین، باعث تکه‌تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. از این‌رو برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است (هیوود و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۵).

بیرون آمدن دختران و زنان جوان از خانه و تمایل آنها به سبک‌های جدید زندگی، فراغت، مصرف و مد نشان‌دهنده دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش مسائل هویتی در زنان و دختران جوان است. امکان حضور سالم و مناسب در عرصه‌های تحصیلی و شغلی، کسب هویت‌های کامل و مستقل و ایجاد تفکر انتقادی در این قشر از زنان می‌تواند بسیاری از آسیب‌های شخصیتی و از جمله فراغت‌های آسیب‌زا، مصرف‌گرایی، مدگرایی و خریدهای تقنی را در آنها کاهش دهد. گسترش تسهیلات فراغتی برون خانگی از جمله فرهنگسراها و مراکز ورزشی - تفریحی برای جوانان به ویژه دختران ابعاد آسیب‌زای گذران فراغت در فضاهای بسته را کاهش می‌دهد، زیرا در هر حال با میزانی از کنترل‌های جمعی همراه است.

با وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی، بازسازی هویت‌های فرهنگی و سیاسی به صورت مهمترین دغدغه دولت انقلابی در آمد. دولت اسلامی وظیفه خود دانست که برای تشکیل جامعه مبتنی بر اخلاق اسلامی، حوزه خصوصی و عمومی حیات انسانی را کنترل کند. اسلامی کردن روابط و مناسبات اجتماعی زن و مرد، احیای هنجارهای اسلامی در مورد سبک پوشش زنان، اجرای سیاست تفکیک جنسی زن و مرد در نهادهای آموزشی

(به جز دانشگاه‌ها)، ورزشی، تفریحی و در وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس‌های شهری)، منع سرگرمی‌ها و تفریحات غیراسلامی و ... همگی بیانگر تلاش، میل و اراده نظام اسلامی به تحقق جامعه مطلوب اسلامی بود. اما در طول دو دهه پس از انقلاب اسلامی (یا بهتر است گفته شود چهار دهه - نویسنده)، نسل جوان ایرانی همواره برای هم‌نمایی تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. آنان از یک طرف در معرض نیروهای محلی، برنامه‌های اسلامی‌سازی و هویت ملی قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر تحت تأثیر نیروهای جهانی، جهان وطنی و هویت شخصی واقع شده‌اند. سبک زندگی این جوانان نیز منطبق با این رهیافت ارزشی تغییر کرده است. بنابراین، شرکت در مهمانی‌های خصوصی غیرمجاز، ارتباطات و معاشرت‌های خارج از چارچوب ازدواج با جنس مخالف، الگوپذیری از ستاره‌های موسیقی و فیلم در عرصه فرهنگ عامه‌پسند جهانی، سبک و مصرف رسانه‌ای این دسته از جوانان در عرصه موسیقی، ویدئو، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت و مانند آن بخشی از خرده فرهنگ جوانان را تشکیل می‌دهد (شهابی، ۱۳۸۲: ۱۰-۹).

## ۲-۱. ساخت‌یابی فراغتی و فراغت شهروندی

در این بند با استفاده از نظریه ساخت‌یابی<sup>۱</sup>، تلاش می‌شود مبنایی تحلیلی برای توضیح و تبیین نظری چرایی توفیق یا عدم توفیق طرح‌های شهرداری در زمینه خانواده، ارائه شود. هدف اساسی از این نظریه تبیین ارتباط کنش و ساختار است. گیدنز در کتاب «ساخت جامعه»<sup>۲</sup> با عنوان فرعی «رئوس نظریه ساخت‌یابی» می‌گوید: «هرگونه بررسی تحقیقی در زمینه علوم اجتماعی یا تاریخ به قضیه ارتباط تنگاتنگ کنش با ساختار مربوط است. به هیچ وجه نمی‌توان گفت که ساختار کنش را تعیین می‌کند یا برعکس» (ریتزر، ۱۳۸۲: ۶۰۰). استفاده از این دیدگاه در این نوشتار با این فرض اساسی صورت گرفته است که شهروندی، از یک سو وقتی از منظر فردی نگریسته می‌شود، یک کنش است و از سوی دیگر وقتی از منظر اجتماعی نگریسته می‌شود، یک تولید اجتماعی است و ناشی از ساختار یا جزیی از ساختار است. بنابراین، از هر دو منظر می‌توان به موضوع نگریست و این

- 
1. Structuration
  2. Social Structure

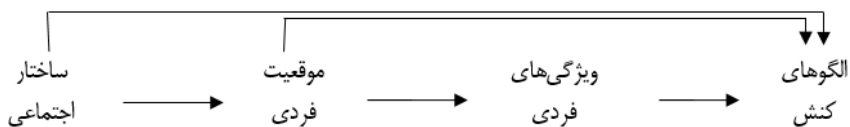
پرسش اساسی را مطرح ساخت که، شهروندی - چه در وجه فردی و چه در وجه اجتماعی آن - چگونه در یک جامعه تولید می‌شود؟

برای پاسخ‌دادن به پرسش یادشده و تحلیل شهروندی به وسیله نظریه ساختاربندی، لازم است که مفروضات اساسی این نظریه درخصوص ساختار و کنش و ربط آن به موضوع فراغت طرح شود:

ساخت اجتماعی و از آن جمله ساخت نهاد فراغت را نه فقط به معنی ترکیب اجزا مرتبط به هم بلکه به‌عنوان قواعد و منابع و فعالیت‌های تولید و باز تولید کنش اجتماعی فراغتی در نظر گرفت. ساختار فراغت در خاطرات و اعمال کنشگران وجود دارد. فراغت به وجه بیرونی آن ناشی از دیالکتیک آگاهی و ساختار در شرایط زمان و مکان است. در یکی دو دهه گذشته نقدهای بسیاری از ساختار «کار» به عمل آمده است. فضاهای مجازی کار، کار در خانه، آزادی در انتخاب شکل کار و ارتباط دادن هرچه بیشتر کار با خلاقیت و تفکر مورد بحث قرار گرفته است. به تعبیر راسل در ستایش فراغت، برای خوشبختی بشر باید به تغییر در الگوی کارکردن و به توسعه سازمان کار بیندیشیم. سازمان‌هایی که در آن انسان به «آدم سازمانی» فروکاسته نشود. برای این منظور مفهوم شهروند سازمانی که موج چهارم شهروندی و موج چهارم دموکراسی است، به میان آمده است. دنیای امروزی احساس نیاز به سازمان‌هایی می‌کند که در آن گفت و شنود و نشست‌های مشترک و فضای عمومی وجود داشته باشد. «مابعد ابزاری» و «علائق ارتباطی و شناختی انسان، مورد توجه قرار گیرد. سازمان‌هایی که در آن رویه‌های دموکراتیک به جای سلسله مراتب خشک بنشینند. خلاقیت و تفکر و ابتکار و یادگیری به درون ساخت کار راه یابد. در اقتصاد دانش، اوقات فراغت دیگر لزوماً ساعات جدا از کار تلقی نمی‌شود. کار نه در مقابل اوقات فراغت، بلکه حاوی اوقات فراغت و در پیوند با آن است، کار نه کسالت‌بار، بلکه دارای عنصر خلاقیت است، زمان کاری و زمان فراغتی در آمیخته می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۲).

در مفهوم ساختاری این نکته مد نظر قرار می‌گیرد که کنش‌های فردی و ساختارهای عینی تحمیل‌کننده در تعاملی دیالکتیکی تعیین‌کننده وضعیت فراغتی کنشگر خواهند بود. سؤال این است که تا کجا نیازهای فردی با ساختارهای پیشین و تغییریابنده، موجبات رضایت و خشنودی فراغتی را فراهم می‌سازند؟ به عبارت دیگر نقاط برخورد و تقریب شرایط ساختاری با نیازهای فردی کجاست؟

سبک‌های زندگی به‌عنوان رابط بین ویژگی‌های فردی اعم از ارزش‌ها، نگرش، منابع و ذائقه‌ها (سلیقه‌ها) از یک طرف و الگوهای کنش از طرف دیگر درک می‌شوند. رابطه بین ساختار اجتماعی، موقعیت فردی در نظام اجتماعی، ویژگی‌های فردی و الگوهای کنش به شکل زیر است:



شکل ۱. رابطه بین عناصر ساخت و کنش (9: Rosengren, 1996).

مدرنیته فرد را با انتخابات گوناگون و پیچیده مواجه می‌سازد. موجودیت زندگی مدرن با افزایش آگاهی و ایجاد فرصت برای ساختن و دوباره ساختن تاریخ زندگی شخص نمود پیدا می‌کند. در حالی که سنت یا عادت، زندگی را به سمت مسیرهایی از پیش تعیین شده هدایت می‌کند. زندگی نوین دامنه‌ای گسترده از جایگزین‌های سبک‌های زندگی را برای افراد ارائه می‌دهد (168: Rosengren, 1996).

براساس آنچه گفته شد دو واژه کلیدی در این مقاله وجود دارد که دانستن فصول مشترک بین آن دو کلید فهم فرایند ساخت‌یابی فراغتی خواهد بود. این دو واژه عبارتند از: ساخت‌یابی فراغتی و فراغت شهروندی. فصول مشترک این دو را می‌توان در چند بند خلاصه کرد:

۱. دو مفهوم فراغت شهروندی در بعد فردی و ساخت‌یابی فراغتی در بعد ساختاری هرگز بدون دیگری و مستقلانه معنا ندارد. فراغت شهروندی نمی‌تواند بدون سپری شدن مراحل از ساخت‌یابی فراغتی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر ما در هر وضعیت شهری از سطحی از فراغت شهروندی برخورداریم که توانسته باشیم فرایند نهادمندی ساخت‌یابی فراغتی را در شهر طی کرده باشیم.
۲. فراغت شهروندی و ساخت‌یابی فراغتی در برخورد دیالکتیکی هر یک با دیگری توسعه می‌یابد. هیچ فرایند مستقلانه‌ای برای رشد دادن این دو بدون دیگری وجود ندارد.
۳. از آنجا که سه عنصر مهم ساختاری در ساخت‌یابی فراغتی مورد توجه است (نقش‌ها، قواعد و تجهیزات) تناسب بخشیدن این سه عنصر با هم، فقط با مداخله شهروندهای خانوادگی و مشارکت جو امکان پذیر خواهد بود. یعنی واسط تناسب بخشیدن این سه، وجود شهروندان مشارکت جو خواهد بود.

جدول ۱. خلاصه دیدگاه‌های مرتبط با مدرنیته، سبک زندگی و سبک‌های فراغتی (علی‌احمدی، ۱۳۹۶)

نظریه پرداز	نظریه	تحلیل پدیده در ایران
مک کله لند	میل و نیاز به پیشرفت را یک ویروس ذهنی می‌داند که رشد و توسعه آن به رشد و توسعه اقتصادی در جوامع مدرن می‌انجامد. وی برای تقویت این ویروس ذهنی به ضرورت آموزش عالی زنان در کنار آموزش مردان اشاره دارد.	با توجه به بالا رفتن انگیزه پیشرفت در زنان ایران این متغیر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مدرنیته می‌تواند در سبک زندگی و سبک‌های فراغتی زنان جوان ایران تأثیرگذار باشد.
زیمل	رشد سریع علم و تخصص‌گرایی سبب جدایی ارزش‌ها از کنش انسانی می‌شود.	بالا رفتن آمار تحصیلات زنان در ایران و به تبع آن افزایش جهت‌گیری علمی و کاهش خرافه‌گرایی در زنان باعث تحولاتی در سبک زندگی و سبک‌های فراغتی آنها می‌شود.
وبر	گروه‌های منزلت و طبقات از طریق سبک‌های زندگی به گروه‌های مرجع تبدیل می‌شوند و معیارهای قضاوت اجتماعی و ارزیابی اخلاقی را نیز تعریف می‌کنند.	با بالا رفتن تحصیلات و وارد شدن زنان در بازار کار و کسب استقلال اقتصادی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان افزایش می‌یابد و این موجد تغییرات در سبک زندگی و سبک‌های فراغتی آنها می‌شود.
فوکو	مدرنیته، امروزی بودن و امروزی زیستن انسان، بیش از هر چیز در حکم آگاه شدن از موقعیت امروزی خویشتن است. کسی که بخواهد به‌طور جدی درباره امروز یعنی روزگار مدرن بیندیشد و بحث کند، چاره‌ای جز این ندارد که توان خود را صرف شناخت جایگاه یا موقعیت امروزی خود کند و این شناخت را با در نظر گرفتن ادعاهای اصلی مدرنیته به انجام رساند.	با توجه به گسترش سریع ارتباطات و استفاده از فناوری‌های ارتباطی، زنان در ایران نیز فرصت روبرو شدن با تجارب جدید را دارند حتی زنان خانه دار. این موضوع به‌گونه‌گونی سبک‌های زندگی و فراغتی منجر شده است.
گیدنز	تجدد، فرد را رودرروی تنوع بی‌پایه‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد، یکی از عامل‌هایی که به چندگانگی انتخاب‌های فرد در جوامع نوین می‌انجامد، رواج و اعتبار تجربه با واسطه است. این تجربه نقشی بارز و ظریف را در چندگانگی انتخاب‌ها بازی می‌کند. همهٔ مکانیسم‌های ازجاکندگی <sup>۱</sup> ، چه نشانه‌های نمادین و چه نظام‌های تخصصی به اعتماد وابسته اند	با توجه به فرایند سریع جهانی شدن، ورود و تأثیرات سریع مدرنیته در ایران و تأثیر آن بر سبک زندگی و فراغت زنان جوان گریز ناپذیر است.

## 1. Disembedment

ادامه جدول ۱. خلاصه دیدگاه‌های مرتبط با مدرنیته، سبک زندگی و سبک‌های فراغتی (علی‌احمدی، ۱۳۹۶)

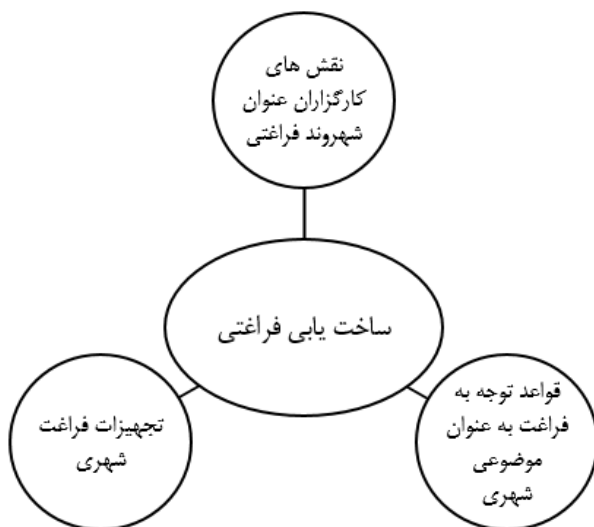
نظریه پرداز	نظریه	تحلیل پدیده در ایران
چانی	سبک زندگی یک الگو یا روش زندگی است که خطوط عمومی تمایزات طبقاتی ساخت یافته را مادیت می‌بخشد. به‌طور کلی مردم از سبک زندگی در زندگی روزمره به منظور شناسایی و بیان مجموعه گسترده‌ای از عناصر مرتبط با هویت و قرابت خود با دیگران استفاده کنند.	نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی هر چه بیشتر و پیدایش طبقه اجتماعی سرآمد از حیث مالی شرایط را برای توجه طبقات مرفه به سبک‌های اوقات فراغت متفاوت با گذشته خصوصاً برای زنان فراهم کرده است.
وبلن	مد مختص به طبقه بالایی است که می‌خواهد نشان دهد برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیست. مد در سطح جامعه توسعه می‌یابد و از سوی طبقات پایین تر تقلید می‌شود. «به روز بودن» معیاری است که طبقه مرفه برای بازتولید جایگاه مسلط خود تعریف می‌کند.	طبقه مرفه و تا اندازه‌ای بخش بالایی قشر متوسط در ایران گرایش‌های فراغتی خود را به‌عنوان معیار فراغت مطلوب به صورت مد در اختیار طبقات پایین دست تر قرار داده‌اند.
بورديو	سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در اندیشه بورديو ایفا می‌کند. جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل وی درباره سبک زندگی بر همین نوع سرمایه متکی است. سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند.	انباشت یا تخریب سرمایه فرهنگی امکان گریز هنجاری از هنجارها و عرف را ایجاد می‌کند. استفاده بیش از اندازه از ابزارهای فراغتی غربی می‌تواند ناشی از تراکم ناکافی سرمایه‌های فرهنگی باشد.
برایان ترنر	ترنر معتقد است تغییراتی چون صنعتی شدن، فردگرایی و مدرنیته سبب توجه به بدن شده و بدن در این دوران با هویت و با مفهوم «خود» ارتباط یافته است و البته ظهور خود (Self) مدرن، کاملاً با توسعه مصرف‌گرایی و مصرف مرتبط است.	مصرف و از آن جمله مصرف فراغتی با رشد فردگرایی به‌عنوان یکی از ابعاد جامعه مدرن رو به فزونی بوده است.

مدرنیته و ابعاد مختلف آن منجر به پیدایش سبک‌های زندگی و فراغتی می‌گردند. تنوع سبک‌های زندگی می‌تواند ناشی از میزان ساخت یافتگی و نهادمندی نهاد فراغت و همچنین میزان درونی کردن شیوه‌های گذران اوقات فراغت در نقش یک شهروند مسئول است. همگام با تعیین ساختاری نهاد فراغت، از جمله نقش‌های فراغتی و تجهیزات مرتبط با آن و قواعد وضع شده یا نانوشته آن، انسان مدرن که براساس شیوه‌های جامعه‌پذیری نوین فردی واجد اخلاق شهروندی است، اوقات فراغت خود را با توجه به مجموعه وظایف انسان مدرن در قبال طبیعت، جامعه و خودش سامان می‌دهد حتی اگر نگرهبان‌های مختلف

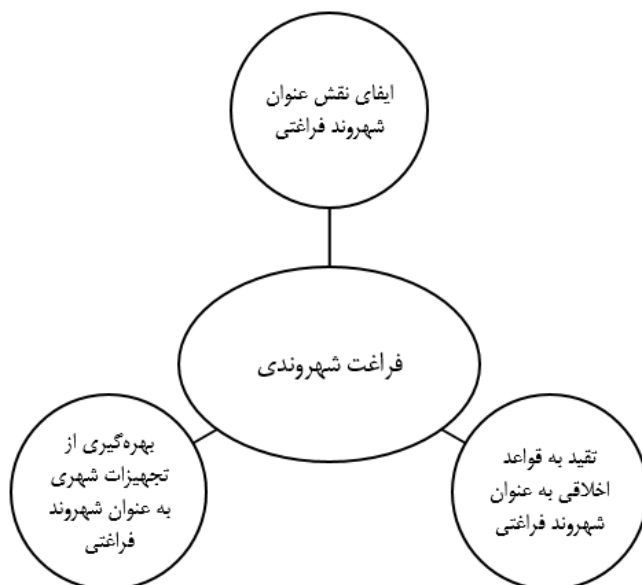


ناظر بر رفتار وی نباشند. این بعد اخیر در زندگی انسان در شهرهای مدرن وظیفه‌ای خطیر محسوب می‌شود چراکه فراغت و بازی و تفریح، آن چنان که در جشن‌های جوامع ابتدایی، باستانی و حتی امروز دیده می‌شود مجال دهنده به برخی هنجارگریزی‌های موقتی است، اما پس از جشن همه چیز به روال عادی خود باز می‌گردد. در تمامی جوامع تاریخی، مکانیزمی اجتماعی و فرهنگی اثر تخلیه‌کننده و نشاط بخش تفریح و بازی و فراغت را از هزینه آن بیشتر ارزیابی کرده و برای آن مجال فراهم ساخته است. اما در دنیای مدرن که امور مختلف فردی‌تر و نظارت‌ها غیرمستقیم‌تر است، امکان کنترل فراغت بدون رشد فراغت شهروندی امکان‌پذیر نیست. در بعد ساختمان‌داری فراغتی، جامعه ابزارها و قواعد و مناسبات از قبل طراحی شده را جایگزین استفاده ارتجالی (خود به خودی و اتفاقی) جامعه و افراد از زمان فراغت می‌نماید. این وضعیت امکان استفاده عقلانی و مؤثر از فراغت را برای همه افراد جامعه فراهم می‌سازد. سبک‌های فراغتی متعدد و متنوع می‌تواند از یک سو نشان دهنده گرایش جامعه مدرن و فرامدرن به تنوع<sup>۱</sup> تلقی شود و گاه این وضعیت را باید ناشی از نوعی سردرگمی نهادی و فردی در گزینش و استفاده از شیوه‌های مختلف و ابزارهای مختلف گذران اوقات فراغت تلقی کرد. این وضعیت به وضع فراغت در جامعه ما نزدیک‌تر است چرا که امکانات نهادین یا ساختمان‌داری فراغتی و فراغت شهروندی به قدر کافی در تمام طبقات و گروه‌ها و سنخ‌های اجتماعی و از آن جمله دو جنس، فراهم نیست. برای مثال، دسترسی سالمندان زن طبقات پایین دست به امکانات فراغتی یا اساساً احساس نیاز و توان استفاده ایشان در استفاده از امکانات فراغتی موجود با آنچه می‌تواند در این زمینه معیار تلقی شود، فاصله بسیار دارد. بنابراین برای این فرد در جامعه ما غیر از استفاده از سبک‌های فراغتی ارتجالی (خود به خودی و اتفاقی)، عرفی، غیرفعال و خانوادگی راهی نهادمند وجود ندارد. ممکن است فردی به استثنا توانسته باشد از حلقه محرومیت‌های فراغتی بگریزد اما این برای عموم سالمندان جامعه ما ممکن نبوده است. در زیر دو مفهوم کانونی توصیف‌کننده وضعیت فراغت در هر جامعه مدرن ارائه می‌شود. این مفاهیم امکان تحلیل نظری وضعیت ساختی و کنشی فراغت را فراهم می‌سازند:

## 1. Diversity



شکل ۲. ابعاد مفهوم ساخت یابی فراغتی (علی احمدی، ۱۳۹۶)



شکل شماره ۳. ابعاد مفهوم فراغت شهروندی (علی احمدی، ۳۹۶ : ۹۸)

براساس مباحث نظری گفته شده می‌توان قبل از رجوع به واقعیت پیش‌بینی کرد که فضای فراغت برای زنان و دخترانی که امکان رشد فردیت برایشان فراهم نبوده و مناسبات اجتماعی محاط بر آنها سنتی یا غیرمدرن است، تا اندازه قابل توجه و معنی‌داری، خانوادگی، ارتجالی (خود به خودی و اتفاقی) و خودبه‌خودی، غیرجذاب و ناخرسندانه است.

### ۳. روش تحقیق

در این تحقیق پس از طی مراحل مختلف تحقیق کیفی از جمله مصاحبه و جلسات بحث متمرکز، از روش پیمایشی استفاده شده است. در این روش، برنامه‌های فراغتی زنان و دختران در شهر تهران، بررسی شده است (علی‌احمدی، ۱۳۹۶). ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که در آن شیوه‌های گذران اوقات فراغت و رضایت زنان از امکانات فراغتی با سؤالاتی در خصوص شناخت، دسترسی، میزان استفاده و رضایت از هر یک از کالاها و امکانات فراغتی، مورد پرسش قرار گرفته است. پرسشنامه دارای مقیاس‌های لیکرت برای سنجش میزان دسترسی، میزان استفاده و میزان رضایت از امکانات فراغتی بوده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه زنان بالاتر از ۱۵ سال در شهر تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۱۲۰۰ نفر بوده است. این تعداد برحسب تجربیات پیشین در نظر سنجی‌های شهر تهران که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است به‌علاوه توان اعتباری تحقیق تعیین شده است.

### ۴. یافته‌های تحقیق

#### ۴-۱. انواع سبک‌های فراغتی

مراد از سبک‌های فراغتی ترکیب و میزان استفاده از ابزارهای مختلف فراغتی است که با اتکا به تحلیل عاملی به دست آمده است.

در جدول شماره ۲، تعداد گویه‌های مرتبط با هر سبک فراغتی فهرست شده‌اند. براساس اطلاعات جدول، فراغت رسانه‌ای ۱۸ گویه، فراغت فعال با ۱۲ گویه، فراغت تبعی با ۱۱ گویه، فراغت‌های خانوادگی، متعین، ارتجالی و عرفی هر یک با ۸ گویه، فراغت تفریدی با ۷ گویه، فراغت مدنی با ۶ گویه فراغت‌های مجازی و بیرون خانه هر یک با ۴ گویه بیشترین تا کمترین گویه‌ها را در مقیاس سنجش سبک‌های فراغتی داشته‌اند. اگر هر یک از گویه‌های فراغت را در نظر بگیریم. می‌توان گستره فراغتی هر ابزار را با دفعات تکرار در شیوه‌ها و انواع فراغت مختلف به شرح زیر تشخیص داد:

۱. رفتن به مراسم مذهبی با گستره فراغتی ۷؛
۲. شبکه‌های اجتماعی مجازی، موبایل / اس‌ام‌اس / بلوتوث، خواندن قرآن، رسیدگی به گیاهان منزل، فعالیت‌های اجتماعی همراه با دیگر بانوان (مثل انجمن‌های خیریه یا NGO)، صحبت، خنده و شوخی در جمع‌های دوستانه، معاشرت با اقوام، بحث و گفتگو درباره مسائل زندگی روزمره و خانوادگی با گستره فراغتی ۴؛
۳. چت / ایمیل / اینترنت، کار با رایانه (کامپیوتر شخصی) و بازی‌های کامپیوتری، برنامه‌های تلویزیون (داخلی) تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، انجام بازی‌های شانسی، بازی‌های فکری و جدول، مطالعه کتاب‌های مذهبی، پیاده‌روی در طبیعت، خرید و گشتن در مراکز تجاری، شرکت در مراسم و جشن‌ها (تولد، عروسی)، رفتن به مسجد، خواندن کتاب دعا با گستره فراغتی ۳؛
۴. رفتن به موزه و دیدن آثار تاریخی، نمایشگاه و بازدید از آثار هنری، تماس تلفنی با دوستان، شنیدن یا دیدن برنامه‌های مذهبی، گوش دادن به برنامه‌های رادیوهای خارجی، گوش دادن به برنامه‌های رادیوهای داخلی، مطالعه کتاب‌های علمی و آموزشی، مطالعه رمان و داستان، انجام فعالیت‌های هنری جهت سرگرمی (مانند کلاس‌های طراحی و نقاشی، خیاطی و رشد دادن گیاهان آپارتمانی و ...)، آشپزی دسته جمعی، جمع‌آوری اشیاء مورد علاقه (کلکسیون: مانند تمبر، برگ‌های گیاهان، انواع جانوران و ...)، پختن دسرها، یک‌ها و خوراکی‌هایی جهت میان وعده، فیلم‌های سینمایی (DVD) و مطالعه روزنامه‌ها و مجلات با گستره فراغتی ۲ به ترتیب اهمیت بیشتر یا کمتری در انواع شیوه‌های گذران اوقات فراغت دارند.

جدول ۲. توزیع اهمیت ابزارهای فراغتی در هر یک از سبک‌های فراغتی بر پایه تحلیل عاملی

گستره فراغتی ابزارها	شماره											رتبه	
	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
	مجازی	رسانه‌ای	بیرون خانه/ طبیعی	مشین	ارتجاعی	عرفی	تیمی	فعال	خانوادگی	مذهبی	فردی	ابزارها/ انواع فراغت	
۷		*	*	*		*	*	*		*		رفتن به مراسم مذهبی	۱
۶	*	*		*				*	*	*		شبکه‌های اجتماعی مجازی	۲
۴	*	*						*		*		موبایل / اس ام اس / بلوتوث	۳
۴		*				*	*			*		خواندن قرآن	۴
۴			*	*				*	*			رسیدگی به گیاهان منزل	۵
۴			*	*				*		*		فعالیت‌های اجتماعی همراه با دیگر بانوان (مثل انجمن‌های خیریه یا NGO)	۶
۴					*	*	*		*			صحبت، خنده و شوخی در جمع‌های دوستانه	۷
۴					*	*	*		*			معاشرت با اقوام	۸
۴					*			*	*	*		بحث و گفتگو درباره مسائل زندگی روزمره و خانوادگی	۹
۴	*	*						*		*		چت / ایمیل / اینترنت	۱۰
۳	*	*								*		کار با رایانه (کامپیوتر شخصی) و بازی‌های کامپیوتری	۱۱

ادامه جدول ۲. توزیع اهمیت ابزارهای فراغتی در هر یک از سبک‌های فراغتی بر پایه تحلیل عاملی

ردیف	شماره	گستره فراغتی ابزارها										
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۲	برنامه‌های تلویزیون (داخلی)					*		*				
۱۳	تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای					*		*				
۱۴	انجام بازی‌های شانس، بازی‌های فکری و جدول	*					*					
۱۵	مطالعه کتاب‌های مذهبی					*	*					
۱۶	پیاده‌روی در طبیعت				*			*				
۱۷	خرید و گشتن در مراکز تجاری			*					*			
۱۸	شرکت در مراسم و جشن‌ها (تولد، عروسی)	*				*						
۱۹	رفتن به مسجد					*	*					
۲۰	خواندن کتاب دعا	*				*	*					
۲۱	رفتن به موزه و دیدن آثار تاریخی، نمایشگاه و بازدید از آثار هنری								*	*		
۲۲	تماس تلفنی با دوستان							*				
۲۳	شنیدن یا دیدن برنامه‌های مذهبی					*				*		
۲۴	گوش دادن به برنامه‌های رادیوهای خارجی					*				*	*	

ادامهٔ جدول ۲. توزیع اهمیت ابزارهای فراغتی در هر یک از سبک‌های فراغتی بر پایه تحلیل عاملی

ردیف	شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	گستره فراغتی ابزارها
		تفریحی	مذهبی	خانوادگی	فعال	تیمی	عرفی	ارتجالی	متعین	بیزرون خانه / طبیعتی	رسانه‌ای	مجازی	
۲۵	گوش دادن به برنامه‌های رادیوهای داخلی					*					*		۲
۲۶	مطالعه کتاب‌های علمی و آموزشی				*						*		۲
۲۷	مطالعه رمان و داستان				*						*		۲
۲۸	انجام فعالیت‌های هنری جهت سرگرمی (مانند کلاس‌های طراحی و نقاشی، خیاطی و رشد دادن گیاهان آپارتمانی و ...)				*				*				۲
۲۹	آشنیزی دسته جمعی				*				*				۲
۳۰	جمع‌آوری اشیاء مورد علاقه (کلکسیون: مانند تمبر، برگ‌های گیاهان، انواع جانوران و ...)	*			*								۲
۳۱	پختن دسرها، کیک‌ها و خوراکی‌هایی جهت میان وعده				*							*	۲
۳۲	فیلم‌های سینمایی (DVD)										*		۱
۳۳	مطالعه روزنامه‌ها و مجلات										*		۱
	تنوع ابزاری	۷	۷	۸	۱۲	۱۱	۸	۸	۸	۶	۱۸	۴	-

مقدار Kmo برای محاسبه تحلیل عاملی ۸۵ بوده است. این مقدار نشان دهنده امکان انجام تحلیل عاملی است. بارهای عاملی برای هر یک از مؤلفه‌ها و به تفکیک عوامل به دست آمده است (در اینجا به دلیل محدود بودن صفحات مقاله از آوردن جداول مربوط) نوع تحلیل عاملی اکتشافی بوده و مقدار واریانس تبیین شده توسط هر عامل یک در نظر گرفته شده است (علی‌احمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). تفاوت گروه‌های سنی از نظر تمام انواع سبک‌های گذران اوقات معنی‌دار است. این نکته شاید تا اندازه‌ای با توجه به ذائقه متفاوت فراغتی گروه‌های مختلف سنی قابل پیش‌بینی باشد؛ اما شدت تفاوت‌ها و حتی در یکی از سبک‌های فراغتی نیز تشابه کاملی دیده نمی‌شود نتیجه مهمی می‌تواند تلقی شود.

براساس نتایج جدول شماره ۳، گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر متمایل به انواع سبک‌های فراغتی خارج از خانه، تفرّدگرا، فعال، رسانه‌ای، مجازی و در موارد خاص به دلیل نبود امکانات اوقات فراغت تبعی و ارتجالی (خود به خودی و اتفاقی) اند. اما در گروه‌های سنی بزرگتر تمایل به انواع فراغت عرفی - دینی و ارتجالی (خود به خودی و اتفاقی)، بیرون خانه و مدنی بیشتر است.



جدول ۳. توزیع فراوانی و نسبی انواع سبک‌های فراغتی شهر تهران به تفکیک نسل‌های مختلف پاسخگویان و آزمون تفاوت‌ها

نسل‌ها	زیر ۲۵ سال		بین ۲۶ تا ۴۵ سال		بین ۴۶ تا ۸۵ سال		جمع	مقدار f آزمون ANOVA	سطح معنی‌داری	تفسیر	
	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین					
فراغت مجازی	۲۲۵	۹/۵۱	۳۴۲	۷/۳۳۰۰	۵۸	۷/۹۸	۵۲۵	۸/۵۲	۱۵/۶۵۷	/۰۰۰	معنی‌دار است
فراغت رسانه‌ای	۲۷۶	۴۱/۳۳	۴۷۳	۳۸/۳	۲۰۶	۴۰/۲۴	۹۵۵	۳۹/۷	۷/۳۴۳	/۰۰۱	معنی‌دار است
بیرون خانه طبیعت‌گرا	۱۸۷	۱۳/۹۷	۳۵۸	۱۳/۰۹	۱۹۰	۱۳/۳۸	۷۳۵	۱۳/۳	۲/۴۸۳	/۰۰۴	معنی‌دار نیست
فراغت متعین	۱۰۷	۱۵/۶۸	۳۴۷	۱۵/۷۹	۱۵۰	۱۷/۳۵	۵۰۴	۱۶/۲۶	۵۰۰۸۲	/۰۰۷	معنی‌دار است
فراغت ارتجالی	۳۰۵	۲۱/۰	۵۴۱	۱۹/۵۹	۲۹۰	۱۹/۶۶	۱۱۳۶	۱۹/۹۹	۶/۶۵۱	/۰۰۱	معنی‌دار است
فراغت عرفی دینی	۱۶۵	۱۵/۶	۳۹۱	۱۸/۵	۲۴۵	۱۷/۱	۸۰۱	۱۶/۲	۵/۶۷	/۰۰۴	معنی‌دار است
فراغت تبعی	۲۵۹	۲۶/۹۸	۴۸۷	۳۴/۵	۲۶۱	۲۶/۳۹	۱۰۰۷	۲۵/۶۷	۱۰/۳۳۳	/۰۰۰	معنی‌دار است
فراغت فعال	۲۸۶	۱۴/۲۶	۴۹۹	۱۳/۸۸	۳۳۱	۱۳/۲۶	۱۰۲۶	۱۳/۴۸	۸/۹۹۲	/۰۰۰	معنی‌دار است
فراغت خانوادگی	۲۹۴	۱۵/۸	۵۲۶	۱۴/۵	۲۸۴	۱۴/۸	۱۱۰۴	۱۴/۹	۶/۲۰	/۰۰۲	معنی‌دار است
فراغت مدنی	۲۲۸	۱۱/۹	۴۶۳	۱۰/۹	۲۶۹	۱۱/۷	۹۶۰	۱۱/۳	۵/۷۷	/۰۰۳	معنی‌دار است
فراغت نودگردا	۲۴۲	۱۴/۸۰	۳۵۷	۱۳/۰۱	۱۲۳	۱۴/۷	۷۲۲	۱۳/۹۱	۱۰/۳۹	/۰۰۰	معنی‌دار است

بر اساس جدول شماره ۳ به ترتیب، سبک‌های ارتجالی (برنامه‌هایی بدون برنامه‌ریزی و تعیین شده توسط دیگران)، خانوادگی، فعال (انتخاب شده توسط خود کنشگر) و تبعی (به

تبعیت دیگران) بیشترین عمومیت را در جامعه زنان شهر تهران داشته‌اند/ این نکته نشان دهنده سنتی بودن و خصلت غیرمدرن فراغت زنان در شهر تهران است/ اینکه فرد بدون اختیار در معرض حوادثی قرار بگیرد که خواهی ناخواهی به گذران وقت وی منجر شود یا به همراه خانواده تلویزیون تماشا کند با تعریف گفته شده از اوقات فراغت فاصله بسیار دارد و بیشتر به وقت‌گذرانی و حداکثر خوشگذرانی شباهت دارد/ برای آن که نشان داده شود فراغت در ایران به علت تسلط خانواده و مصالح آن، غیر فردی و غیر مدرن است می‌توان به اطلاعات جدول شماره ۴ رجوع کرد:

جدول ۴. توزیع فراوانی و نسبی میزان اهمیت قابل شدن خانواده برای فراغت فرد به تفکیک

دوره‌های زندگی بین زنان شهر تهران

میزان اهمیت قابل شدن خانواده برای فراغت فرد						
گروه‌های سنی	توزیع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
جوانان زیر ۱۸ سال	فراوانی	۱۳	۲۸	۱۰۵	۱۱۵	۳۷
	درصد	۵/۴	۷/۹	۵/۳۶	۹/۳۹	۴/۹
جوانان ۱۸ تا ۴۶ ساله	فراوانی	۱۵	۳۵	۱۲۰	۱۱۶	۲۸
	درصد	۸/۴	۱/۱۱	۲/۳۸	۹/۳۶	۹/۸
میانسالان ۴۶ تا ۶۴ ساله	فراوانی	۱۷	۵۴	۱۱۲	۸۶	۲۶
	درصد	۸/۵	۳/۱۸	۰/۳۸	۲/۲۹	۸/۸
سالخوردگان از ۶۴ به بالا	فراوانی	۲۰	۵۵	۱۱۲	۸۷	۲۳
	درصد	۷/۶	۵/۱۸	۷/۳۷	۳/۲۹	۷/۷
جمع	فراوانی	۶۵	۱۷۲	۴۴۹	۴۰۴	۱۰۴
	درصد	۴/۵	۴/۱۴	۶/۳۷	۸/۳۳	۷/۸

جدول ۵. توزیع آماره‌های آزمون کای اسکوبر(استقلال و عدم استقلال) جدول شماره ۴

آزمون آماری	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفسیر
کای اسکوبر	۲۳/۳۸۷	۱۲	۰۲۵/	تفاوت معنی دار است

بیشترین درصد از پاسخگویان میزان اهتمام خانواده در فراغت فرد را متوسط و زیاد ارزیابی کرده‌اند. این وضعیت نشانگر دو موضوع است: اول اینکه خانواده هنوز مسئول فراغت فرد دانسته می‌شود و دوم آن که با وجود پذیرش نکته اول خانواده قادر به تأمین امکانات فراغتی برای فرد نیست. ممکن است در دوران کودکی بتوان برخی امکانات فراغتی کودک و نوجوان را در منزل آماده کرد؛ اما در دوران جوانی و بالاتر قطعاً این امکان پذیر نیست. اضافه بر آن در دوره نوجوانی و جوانی ذاتقه فراغتی فرد با افراد مسن‌تر

خانواده از جمله پدر و مادر فاصله می‌گیرد و در این شرایط خانواده با دشواری بیشتری برای تأمین فراغت سالم برای نوجوان و جوان خود مواجه است. در عین حال با توجه به اطلاعات جدول ۴ با تغییر دوره زندگی، ناخرسندی فرد از توجه خانواده به وقت فراغت فرد افزایش یافته است و سالمندان ناراضی‌تر از گروه‌های سنی دیگرند. توضیح این نکته با توجه به شرایط سنی پاسخگویان در این دسته و نوع تربیت فراغتی‌شان، ممکن خواهد بود. طبیعی است که سالمندان از بین روش‌های مختلف روش‌هایی که با جمع بودن خانواده ممکن می‌شود را بپسندند.

جدول ۶. توزیع فراوانی و نسبی با یا بدون خانواده گذراندن اوقات فراغت به تفکیک دوره‌های زندگی بین زنان شهر تهران

گروه‌های سنی	توزیع	با خانواده	بدون خانواده	هر دو	جمع
نوجوانان	فراوانی	۲۴۹	۳۴	۴	۲۸۷
	درصد	۸۶/۸	۱۱/۸	۱/۴	۱۰۰/۰
جوانان	فراوانی	۲۹۱	۲۱	۳	۳۱۵
	درصد	۹۲/۴	۶/۷	۱/۰	۱۰۰/۰
میانسالان	فراوانی	۲۷۵	۲۱	۰	۲۹۶
	درصد	۹۲/۹	۷/۱	-/۰	۱۰۰/۰
سالمندان	فراوانی	۲۷۴	۲۲	۱	۲۹۷
	درصد	۹۲/۳	۷/۴	۳/۱	۱۰۰/۰
جمع	فراوانی	۱۰۸۹	۹۸	۸	۱۱۹۵
	درصد	۹۱/۱	۸/۲	۷/۱	۱۰۰/۰

جدول ۷. توزیع آماره‌های آزمون کای اسکویر برای جدول شماره ۶

آزمون آماری	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفسیر
کای اسکویر	۱۲/۱۲۳	۶	۰/۰۵۹	تفاوت معنی‌دار نیست

نکته جالب برای توصیف وضعیت سنتی در اوقات فراغت زنان شهر تهران طبع و ذائقه خانواده‌گرا در گذران اوقات فراغت در تمام گروه‌های سنی است. به نحوی که با آن که گرایش نوجوانان اندکی کمتر است اما بین گروه‌های مختلف سنی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. این موضوع را یادآوری چند نکته می‌توان توضیح داد: اول آن که در جامعه ما هنوز قابل اعتمادترین افراد، اعضای خانواده‌اند. دوم آن که ساختارهای جامعه ما به شدت سنتی و غیرمدرن‌اند؛ به نحوی که شاید بتوان گفت هنوز

مهمترین ساختار در جامعه ما ساختار خانواده است. سوم آن که به دلیل عدم رشد مکفی فردیت و نبود مجال برای رشد آن افراد به شدت وابسته به مصالح جمعی‌اند و تجربه فراغتی غیر از آنچه در جامعه سنتی وجود داشته برایشان فراهم نبوده و بدیل این وضعیت را یا ندیده‌اند یا کمتر دیده‌اند. چهارم آن که زنان در جامعه ما بیش از آنکه هویت اجتماعی داشته باشند هویت خانوادگی دارند. تفکیک‌های جنسیتی فضا آن چنان مسلط است که عموماً زنان شرایط غیر را تصور نمی‌کنند و در پرتو شرایط جامعه سنتی و خانوادگی امکانات گذران فراغت را ارزیابی می‌کنند. برای بسیاری از افراد جامعه ما بهتر شدن برنامه‌های تلویزیون و ایجاد امکان یک دو سفر زیارتی و سیاحتی در سال به معنی فراغت ایده آل است و شاید از همه مهمتر اینکه بدون اشتغال مدرن و نگاه مدرن به زندگی نیازی به فراغت در معنای مدرن آن وجود نخواهد داشت. وقتی از زنان پاسخگو پرسیده شده است کدامیک را ترجیح می‌دهید؟ گذران اوقات فراغت با خانواده یا دوستان یا به تنهایی؟ پاسخ این بوده است: ۸۴ درصد گفته‌اند با خانواده، ۱۰/۳ درصد با دوستان و تنها ۵/۷ درصد به تنهایی را بیان داشته‌اند. این داده‌ها نکات گفته شده در شرح جدول ۴ را مجدداً توجیه می‌کند. نوجوانان و جوانان تمایل بیشتری به دوستان داشته‌اند و میانسالان و کهنسالان بیشتر به خانواده مایل بوده‌اند. تنهایی برای هیچ یک از گروه‌ها مطلوب نبوده است با آنکه در جامعه مدرن فراغت راهی برای غلبه بر احساس تنهایی است. در شرایط جامعه سنتی فرد آن چنان با خانواده و دوستان احاطه شده که به فراغت در معنای امروزی آن کمتر نیازمند است. در هر حال تفاوت بین دوره‌های مختلف زندگی از نظر تمایل به گذران فراغت با خانواده، با دوستان یا به تنهایی (جدول ۶) معنی‌دار است.

جدول ۸. توزیع فراوانی و نسبی نگرش دربارهٔ مطلوبیت نحوه گذران اوقات فراغت تا سن فعلی به تفکیک گروه‌های سنی

مطلوبیت نحوه گذران اوقات فراغت تا سن کنونی							گروه‌های سنی
جمع	همه آن	تقریباً همه آن	تقریباً نیمی از آن	کسر کوچکی از آن	هیچ	توزیع	
۲۸۷	۵	۲۴	۱۶۶	۷۶	۱۶	فراوانی	نوجوانان
۱۰۰/۰	۱/۷	۸/۴	۵۷/۸	۲۶/۵	۵/۶	درصد	
۳۱۳	۲	۱۹	۱۵۰	۱۲۳	۱۹	فراوانی	جوانان
۱۰۰/۰	۶/۱	۶/۱	۴۷/۹	۳۹/۳	۶/۱	درصد	
۲۹۶	۲	۲۰	۱۱۴	۱۳۱	۲۹	فراوانی	می انسانان
۱۰۰/۰	۷/۱	۶/۸	۳۸/۵	۴۴/۳	۹/۸	درصد	
۲۹۸	۲	۲۴	۱۱۱	۱۲۶	۳۵	فراوانی	سالمنان
۱۰۰/۰	۷/۱	۸/۱	۳۷/۲	۴۲/۳	۱۱/۷	درصد	
۱۱۹۴	۱۱	۸۷	۵۴۱	۴۵۶	۹۹	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۹/۱	۷/۳	۴۵/۳	۳۸/۲	۸/۳	درصد	

جدول ۹. توزیع آمارها و توضیح معنی‌داری کای اسکویر برای جدول شماره ۸

آزمون آماری	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفسیر
کای اسکویر	۴۵/۹	۹	۰/۰۰۱	تفاوت معنی‌دار است

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال پاسخ برای این سؤال اساسی بودیم که زنان گروه‌های سنی مختلف در شهر تهران فراغت خود را به چه سبک‌هایی می‌گذرانند و خانواده در این میان چه نقشی را ایفاء می‌نماید؟ برای پاسخ دادن به این سؤال ابتدا در بخش نظری با ارجاع به دیدگاه‌های مختلف از جمله نظریه ساختاربنندی گیدنز با ساخت و توسعه دو مفهوم که عبارتند از: فراغت شهروندی و ساختمندی فراغتی، دو بعد کنشی و ساختاری پدیده‌های اجتماعی و اتصال دیالکتیکی آن دو مورد بحث قرار گرفت. با آوردن شواهد مختلف مشخص شد که فضاهای شهری به شکل تاریخی و حتی امروزه به شدت تقسیم‌بندی جنسیتی شده است و این موضوع نابرابری جنسیتی در استفاده از شهر برای گذران اوقات فراغت را تشدید می‌کند. سپس با برقراری ارتباط نظری بین سه مفهوم مدرنیته، سبک زندگی و اوقات فراغت مشخص شد که چگونه مدرنیته و دو مفهوم دیگر با هم ارتباط سرشتی دارند.

براساس طرح نظری پیش بینی عمده نظری در این تحقیق عبارت از این بود که فضای فراغت برای زنان و دخترانی که امکان رشد فردیت برایشان فراهم نبوده و مناسبات اجتماعی محاط بر آنها سنتی یا غیر مدرن است، تا اندازه قابل توجه و معنی‌داری، خانوادگی، ارتجالی و خودبه‌خودی، غیرجذاب و ناخرسندانه، ناکارآمد و غیرکارکردی است و این اوصاف برای زنان واقع در گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌دار دارند.

در بخش یافته‌ها و نتایج با ارائه ۹ جدول مهمترین نتایج به شرح زیر ارائه شد:

برحسب نوع استفاده از ابزارهای مختلف می‌توان به صورت نسبی انواع یازده گانه سبک‌های فراغتی را به شرح زیر معرفی کرد: ۱. تفریدی؛ ۲. مدنی؛ ۳. خانوادگی؛ ۴. فعال؛ ۵. تبعی؛ ۶. عرفی؛ ۷. ارتجالی(خود به خودی و اتفاقی)؛ ۸. متعین؛ ۹. بیرون خانه/طبیعتی؛ ۱۰. رسانه‌ای؛ ۱۱. مجازی. تفاوت گروه‌های سنی از نظر تمام انواع سبک‌های گذران اوقات معنی‌دار است.

براساس نتایج جدول ۱، گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر متمایل به انواع سبک‌های فراغتی خارج از خانه، تفردگرا، فعال، رسانه‌ای، مجازی و در موارد خاص به دلیل نبود امکانات اوقات فراغت تبعی و ارتجالی‌اند. اما در گروه‌های سنی بزرگتر تمایل به انواع فراغت عرفی - دینی و ارتجالی (خودبه‌خودی یا برنامه‌ریزی نشده)، بیرون خانه و مدنی بیشتر است. به ترتیب سبک‌های ارتجالی، خانوادگی، فعال و تبعی بیشترین عمومیت را در جامعه زنان شهر تهران داشته‌اند. این نکته نشان دهنده سنتی بودن و خصلت غیرمدرن فراغت زنان در شهر تهران است. همچنین بیشترین درصد از پاسخگویان میزان اهتمام خانواده در فراغت فرد را متوسط و زیاد ارزیابی کرده‌اند. در عین حال با توجه به اطلاعات جدول ۶، با افزایش سن، ناخرسندی فرد از توجه خانواده به وقت فراغت فرد افزایش یافته است و سالمندان ناراضی‌تر از گروه‌های سنی دیگرند. توضیح این نکته با توجه به شرایط سنی پاسخگویان در این دسته و نوع تربیت فراغتی‌شان، ممکن خواهد بود. طبیعی است که سالمندان از بین روش‌های مختلف روش‌هایی که با جمع بودن خانواده ممکن می‌شود را بپسندند. نوجوانان و جوانان تمایل بیشتری به دوستان داشته‌اند و میانسالان و کهنسالان بیشتر به خانواده مایل بوده‌اند. تنهایی برای هیچ یک از گروه‌ها مطلوب نبوده است، با آنکه در جامعه مدرن فراغت راهی برای غلبه بر احساس تنهایی است. در شرایط جامعه سنتی فرد آن‌چنان با خانواده و دوستان احاطه شده که به فراغت در معنای امروزی آن کمتر

نیازمند است. در هر حال تفاوت بین گروه‌های مختلف سنی از نظر تمایل به گذران فراغت با خانواده، با دوستان یا به تنهایی معنی‌دار است. از زنان پرسیده شده است چقدر از فراغت‌تان را تا سن کنونی به شکل مطلوبی گذرانده‌اید؟ پاسخ این بوده است که: ۴۶/۵ درصد از زنان که عمدتاً مسن و کهنسال بوده‌اند، گفته‌اند هیچ یا کسر کوچکی از آن. ۸/۱ درصد گفته‌اند تقریباً همه آن یا همه آن و ۴۵/۳ درصد گفته‌اند تقریباً نیمی از آن. این توزیع به معنی نارضایتی زنان از وضعیت گذران اوقات فراغت است. در این میان آن چنان که اشاره شد افراد مسن و کهنسال ناراضی‌تر بوده‌اند و تفاوت گروه‌های سنی مختلف از این نظر معنی‌دار است.

بنابراین، وضعیت واقعی فراغت زنان با شرایط نهادین و دو مفهوم فراغت شهروندی و ساختمندی فراغت فاصله دارد. عمده دلایلی که برای این موضوع ذکر شد این است که اوقات فراغت در جامعه ما و خصوصاً امکانات فراغتی زنان در جامعه ما به دلیل دسترسی کمتر زنان به امکانات غالباً مردانه اوقات فراغت و تناسب ناکافی فضاهای شهری برای استفاده زنان، خصوصاً برای سالمندان و کهنسالان در وضعیتی نسبتاً ناکارآمد دارد؛ و تنوع سبک‌های فراغتی موجود را می‌توان ناشی از ناکارآمدی نهادین و تلاش برای بازتعریف فراغت زنان دانست.

## منابع و مأخذ

- ریتزر، جرج (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۹۵). مطالعه اثر بخشی مسابقات ورزشی در شهرداری تهران، معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، گزارش تحقیق. چاپ نشده.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۹۶). گرایش‌ها و سبک‌های فراغتی زنان در شهر تهران، تهران: کنش جامعه معاصر.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: نشر صبح صادق.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). اقتصاد معیشتی، انسانیت ما را تباه می‌کند. متن تحریر یافته سخنرانی درباره تحولات مفهومی کار و فراغت. مؤسسه «رشد، حمایت و اندیشه» در دسترس در بر [farasatkah.blogspot.com](http://farasatkah.blogspot.com)
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه حسینعلی نوزری، تهران: انتشارات نقش جهان.
- هیوود، لس و همکاران (۱۳۸۰). اوقات فراغت، ترجمه محمد احسانی، نشر امید دانش.
- Bourdieu, P. (1984). **Distinction: A social Critique of the Judgment of Taste**. Rutledge.
- Chaney, D. (1996). "**Life style**". London and Network: Routledge.
- Cocker ham, W. (1997). **Lifestyle, social, class, demographic characteristics, and health behavior** "In. David. S. Othman (ed.). Handbook of Health, Behavior Research I: personal and social Determinants. New York: Plenum Press, pp.253-265.
- Foucault, M. (1980). **The eye of power in C. Gordon** (ed.) Power/ Knowledge: Michel Foucault, Selected Interviews and other Writings. . New York: Pantheon
- Hancock, P. (2000). **The Body, Culture and Society**. Buckingham: Open Up.
- Inkless, A. (1976). **Become Modern. Individual Change in Six Developing Countries**, Massachusetts: Harvard University Press Cambridge.
- Rosengren, K. E. (1996). **Media Effects and Beyond**, London and New York: Routledge.
- Swing wood, A. (1998). **Cultural Theory and the Problem of Modernity**. Macmillan Press.
- Turner, B.S. (1996). **The Body and Society: Explorations in Social Theory**, London: Sage.



Veal, Anthony .J. (2001). **Leisure, cultural and lifestyle. Society and Leisure**, 24(2), 359-376.

Veblen, T. (1998). **The theory of Leisure Class**. MacMillan.